

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



توسعه آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



توسعه آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



توسعه آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

مدیریت تعارض در مناظره «خسرو و فرهاد»

(برگرفته از رساله دکتری)

نازیلا یخدان‌ساز

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر پروانه عادل زاده

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر کامران پاشایی فخری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده

یکی از رویدادهای مهم رفتار سازمانی، مدیریت تعارض است. تعارض اگر کنترل شده و در حد متوسط باشد می‌تواند موجب خلاقیت و نوآوری در گروه و افراد گردد. تعارض زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند نفر از افراد در مقابل یکدیگر قرار گیرند، زیرا نیازها، خواسته‌ها، اهداف و ارزش‌های آنها متفاوت است. متون ادبی به عنوان انعطاف‌پذیرترین سطح علم جهت انعکاس مفاهیم متنوع و القاء این مفاهیم به مخاطبان است، لذا لازمه همگام شدن با این مفاهیم نو، ایجاد بستر و محیطی مطلوب و مناسب برای بروز افکار تازه، خلاقیت و نوآوری در استنباط از مفاهیم ادبی است.

خسرو و شیرین، منظومه کم نظیر نظامی گنج‌های، یکی از این بسترهایی است که سیطره مفاهیم بدیع را بالاخص در مناظره خسرو با فرهاد برای مخاطب خود می‌گسترده، مدیریت تعارض و تضاد از جمله مفاهیم و مقوله‌هایی است که به زیبایی در خسرو و شیرین بازتابانده شده است؛ در این جستار برآنیم که با استخراج و بررسی مهمترین این تعارض‌ها و چگونگی مدیریت آنها در مناظره خسرو و فرهاد، دیدگاه نظامی را درباره چگونگی حل تعارضات، با استفاده از کاربردی‌ترین اصول مدیریتی تبیین و روشن سازیم.

کلیدواژه‌ها: مدیریت تعارض، تضاد، خسرو و شیرین، خسرو، فرهاد

مقدمه:

تعارض جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است، با مروری گذرا و سطحی بر رویدادهای تاریخی، وقایع مهم جاری و فرآورده‌های فرهنگی که مبین گذشته‌هایی از واقعیت‌های زندگی اجتماعی هستند، نشان می‌دهد که چگونه تعارض یکی از مهمترین برجسته‌ترین وجوه زندگی را تشکیل می‌دهد، بنابراین اگر عده‌ای معتقدند که در حال حاضر تعارض موضوعی است که فکر انسان را بسیار به خود مشغول کرده است ادعایی پوچ و بیهوده نکرده‌اند. زمینه‌های مختلف فرهنگی، تفاوت‌های شخصیتی، انتظارات و ادراکات متفاوت، منجر به ایجاد تعارض مابین افراد و گروه می‌گردد، از این رو، وجود تفاوت‌ها، خطرات و انگیزه‌های متمایز از یکدیگر در افراد، بافت سازمانی را در برابر تعارض‌های سازمانی اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

تعریف‌های مختلفی از سوی متخصصان برای تعارض ارائه شده است، برخی از این تعریف‌ها تأکید دارند که دو طرف تعارض به طور عمدی برای ناکام کردن یکدیگر و ممانعت از رسیدن به اهداف یکدیگر تلاش می‌کنند؛ در زیر چند مورد از این تعریف‌ها بیان می‌گردد.

- «تعارض وضعیتی اجتماعی است که در آن دو یا چند نفر درباره موضوع‌های اساسی مربوط به سازمان یا با هم

توافق ندارند یا نسبت به یکدیگر قدری خصومت احساسی نشان می‌دهند.» (شرم‌هون به نقل از رضائیان، ۱۳۹۲: ۶)

- تعارض فرآیندی است که در آن، نوعی تلاش آگاهانه به وسیله (الف) انجام می‌گیرد تا تلاش‌های (ب) را خنثی کند؛ البته از راه سد کردن راه او که در نتیجه (ب) در مسیر نیل به هدف خود مستأصل می‌شود یا اینکه (الف) بدان وسیله بر میزان منافع خود می‌افزاید (رابینز، ۱۳۷۴: ۷۱۹).

تعارض، فرآیند ادراک و یا احساس هر گونه ناسازگاری در درون و یا بین افراد، گروه‌ها و یا سازمان‌هاست که منتهی به رفتار پنهان و یا آشکار متعارض در دو طرف گردد. (میر کمالی، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

ادبیات غنی زبان فارسی به ویژه اشعار و منظومه‌های عاشقانه آن از جمله، خسرو و شیرین را، شاید بتوان نمونه‌های بارزی از مدیریت تضاد میان فردی دانست؛ در این ارتباطات، تعارضات میان رقبای عاشق که به زبان فخیم و زیبای شعر بیان می‌گردند، لذت خوانش اثر ادبی را در خواننده صد چندان می‌سازد و نظامی با استفاده از شگرد خارق العاده شاعری‌اش، تعارضات میان فرهاد و خسرو را طوری به تصویر می‌کشد که گویی با تمامی مؤلفه‌های علم مدیریت تضاد و تعارض آشنایی کامل و وافر داشته است و لذا آمیختگی این دو عنصر یعنی شعر و تعارض، جذابیت مناظره را در خواننده اثر بیشتر می‌سازد؛ گذشته از این «خسرو و شیرین علی رغم جنبه هنری، نشان‌دهنده آگاه شاعر از پیشینه تاریخ ایران، جامعه عصر شاعر، حکمت، فلسفه، موسیقی و نجوم است.» (مک دونالد، ۱۳۷۱: ۴۳۳) و این سطح چند بعدی افکار نظامی به او این امکان را می‌دهد که لایه‌های متنوع و پنهان تفکراتش را در اشعارش آشکار سازد.

در خصوص منظومه عاشقانه «خسرو و شیرین» تاکنون مقالات متعددی نگاشته شده است اما مقاله‌ای با عنوان جستار حاضر که دربردارنده نظریات مدیریتی بالأخص مدیریت تعارض، همچنین اشکال نمود این تعارضات میان شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین باشد، صورت نپذیرفته است؛ و پژوهش حاضر از این نظر کاملاً نو و بدیع می‌نماید. بنابراین بر آن شدیم تا مؤلفه‌های مدیریت تعارض را با مناظره خسرو و فرهاد تطبیق داده، میزان انطباق این معیارها را با توجه به الگوهای تضاد و تعارض بسنجیم؛ به دیگر بیان تحقیق حاضر در صدد پاسخ‌گویی به دو سؤال است:

۱) تعارضات موجود در «مناظره خسرو و فرهاد» از کدام نوع اند؟

۲) دلایل بروز تعارضات میان دو عاشق (خسرو و فرهاد) کدامند؟

هدف این مقاله، بیشتر آشکار ساختن لایه‌های زیرین و پنهانی داستان «خسرو و شیرین» به ویژه مناظره «خسرو و فرهاد» است؛ با در نظر گرفتن این فرضیه، آنچه بیش از هر موضوع دیگر، در مفهوم مناظره سایه انداخته و نیازمند واکاوی و آشکار شدن است، مبحث تضاد و تعارض می‌باشد.

ابتدا لازم است قبل از ورود به مبحث اصلی، با برخی اصطلاحات و سطوح مدیریت تعارض آشنا گردیم.

سطوح تعارض:

نظریه پردازان رفتار سازمانی، بر اساس معیارهای خود سطوح مختلفی از تعارض را ارائه کرده‌اند ولی همه آنها دربرگیرنده این سطوح است: ۱) شخصی ۲) میان فردی ۳) میان گروهی در بحث‌های رفتار سازمانی تأکید بیشتر بر تعارض‌های میان فردی و میان گروهی است. (محمدزاده و مهره‌زاد، ۱۳۷۵: ۳۲۵ / کینیکی و کرتینر، ۱۳۸۴: ۳۹۲).

دیوید کمرون تعارض میان فردی را بخش اساسی و فراگیر زندگی سازمانی می‌داند و معتقد است سازمان‌هایی که در آنها تضاد کمتری وجود دارد، عموماً در محیط‌های رقابتی با شکست مواجه می‌شوند (کمرون، ۱۳۸۳: ۷). تعارض بین فردی تعارضی است که «بین دو یا چند فرد رخ می‌دهد که دارای ارزش‌ها، آرزوها، سبک‌های ارتباطی و دیدگاه‌های متفاوت هستند.» (کرمی و گوردزی، ۱۳۸۲: ۷۸).

تعارض و تضاد لازمه تحرک و پویایی است و جامعه‌ای که بتواند این تناقض را به نحو کنترل شده پیش برد، جامعه‌ای موفق خواهد بود. «همواره و در همه جا، وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، زمینه‌ای لازم است تأثیری؛ زمینه همان تعارض اشیاء و افراد جهان است» (سروش، ۱۳۵۷: ۳۳) وجود افراد مختلف با ویژگی‌های شخصیتی، نیازها، باورها، انتظارات و ادراکات متفاوت، بروز تعارض میان افراد را اجتناب ناپذیر می‌کند. دو دسته ابزار برای مدیریت تعارض وجود دارد؛ دسته نخست، موجبات تعارض که تحریک کننده تعارض هستند و دسته دوم، شامل تکنیک‌های حل تعارض‌اند که در این جستار، تأکید ما بیشتر بر روی دسته نخست یعنی

موجبات تحریک تعارض است. «منظور از تحریک تعارض فراهم آوردن موقعیت‌هایی است که در آن نظریه‌ها و عقاید مختلف در معرض قضاوت گذاشته می‌شوند تا به وسیله یکدیگر مورد سنجش قرار گیرند. تحریک تعارض ممکن است این انگیزه و فرصت را در کارکنان ایجاد کند که اختلاف نظرهای خود را که مخفی نگه داشته‌اند، آشکار سازند.» (گرنفین، ۱۳۷۴: ۳۳۲).

استفاده مؤثر از تعارض مستلزم شناخت و درک کامل ماهیت آن و همچنین علل خلق‌کننده و کسب مهارت در اداره و کنترل آن است که البته امروز به عنوان یکی از مهمترین مهارت‌های علل خلق‌کننده و کسب مهارت در اداره و کنترل آن است که البته امروز به عنوان یکی از مهمترین مهارت‌های مدیریت به شمار می‌آید.

مدیریت تعارض و سبک‌های آن

به‌طور کلی پنج روش پاسخ‌گویی به تعارض وجود دارد که از آنها به عنوان سبک‌های مدیریت تعارض یاد می‌شود و معمولاً هر فرد در یکی از این سبک‌ها غالب است:

۱. رقابت: سبکی که در آن فرد دنبال اهداف و علایق خویش بدون توجه به دیگران است. ویژگی‌های این روش این است که اولاً غیر مشارکت جویانه و ثانیاً قدرت مدار باشد. فرد هر گونه قدرتی را که به نظر برسد برای بردن در موقعیت خاص مناسب است به کار می‌گیرد.
۲. سازش (تسلیم): این سبک نقطه مقابل رقابت است. فرد از علایق و اهداف خویش جهت تحقیق اهداف و ارضای نیازهای دیگران صرف نظر و چشم پوشی می‌کند. ویژگی مهم این روش از خود گذشتگی است ولی باز هم مشارکت جویانه است.
۳. اجتناب: زمانی که فرد اهداف و علایق خود را دنبال می‌کند نه علایق و اهداف دیگران را و بیشتر سعی بر آن دارد که از موقعیت تعارض طفره رود و یا آن را به تعویق اندازد.
۴. همکاری: این سبک نقطه مقابل سبک اجتناب است. در اینجا همکاری شامل تلاشی به منظور کار با دیگر افراد برای یافتن راه حلی است که موجب تحقق اهداف هر دو فرد بشود.
۵. مصالحه: هدف مصالحه یافتن برخی تدابیر و راه حل‌های قابل قبول برای هر دو طرف است که موجب تحقق نسبی منافع و تحقق اهداف هر دو طرف بشود. به عبارتی این سبک بینابین رقابت و سازش قرار دارد و نسبتاً مشارکت جویانه است.

روش‌های ایجاد تعارض کارکردی

دو فن ایجاد تعارض کارکردی که در عمل اثر بخشی آنها به اثبات رسیده است عبارتند از:

(۱) روش نقادی

(۲) روش مناظره ای

که نوع تعارض کارکردی ایجاد شده بین خسرو و فرهاد از نوع دوم یعنی روش مناظره است. «این روش، اقدامی وقتیگراست. این رهیافت ویژه ایجاد تعارض برنامه‌ریزی شده به مکتب فلسفی جدل در یونان قدیم باز می‌گردد. افلاطون و پیروانش می‌کوشیدند حقیقت‌ها را از طریق کشف مواضع مخالف به دست آورند. یکی از موانع روش مناظره‌ای این است که «پیروزی در مناظره» ممکن است اصل موضوع را تحت الشعاع خود قرار دهد.» (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۶ و ۶۷)

بحث و بررسی

هر اثر ادبی و هنری، زیبایی‌های خاص ذوقی، زبانی، موسیقایی و تأثیر و جذابیت‌هایی دارد که نادیده گرفتن هر کدام از این عناصر سبب می‌شود آن اثر ادبی یا بخت و اقبال خود را در مورد قبول شدن از دست بدهد و یا نسبتاً از مخاطبان آن کاسته شود. از

سوی دیگر شعرا و نویسندگان و به طور کلی اربابان هنر، تأثیر گذارند و مردم نیز پیام یک اثر هنری را زودتر از ارائه شدن آن موضوع به شیوه‌های دیگر درمی‌یابند و فطرت پاک و صادقانه مردم با مخاطب ذوق و هنر رسا و تأثیرگذار هنرمندان است. امروزه در کنار نقدهای مختلفی که در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، روان‌شناسی و زیبایی‌شناسی وجود دارد، نقد مدیریتی و در کل، نقد در حوزه‌های میان رشته‌ای، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. آزادی^۱ در تفکرات نظامی بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌خورد؛ این آزادی اندیشه، نظامی را گاه به سوی مفاهیم عشقی، تاریخی، فلسفی، روانشناختی و گاه مدیریتی سوق می‌دهد.

تلخیص داستان خسرو و شیرین

این داستان سرگذشت عشق خسرو و پرویز، پادشاه ساسانی، با شیرین، شاهزاده ارمنی، برادرزاده بانوی ارمن است. چارچوب اصلی این داستان چنین است که خسرو، شاهزاده، ایران و شیرین، برادرزاده بانوی ارمن، به راهنمایی و چاره‌جویی شاپور، ندیم خسرو، به جستجوی یکدیگر برمی‌آیند و بعد از یک سلسله قهر و آشتی، سرانجام به هم می‌رسند. نه دلربایی‌های مریم و ششکر خسرو را از عشق شیرین باز می‌دارد و نه دردها و نیاز فرهاد کوهکن، شیرین را که دلش به مهر خسرو بسته است، به دام وسوسه می‌اندازد. پایان غم انگیز سرنوشت دو دلدا، سوزی و دردی دارد که قصه عشق بزرگان را چاشنی عشق واقعی - عشق شوریدگان و نامردان - می‌دهد: خسرو شب هنگام در کنار شیرین به دست فرزندی (شیرویه) که در دل خویش، رقیب او نیز هست؛ کشته می‌شود (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۱۲۷). در خلال داستان و در هنگامه دل باختگی خسرو به شیرین، فرهاد، سنگ تراش خبره و زبر دست روزی در ملاقات با شیرین، دل در گرو او می‌بازد. این اولین دیدار آنچنان او را مدهوش می‌کند که ادراک از او رخت بر می‌بندد و دستورات شیرین را نمی‌فهمد. هنگامی که از نزد او بیرون می‌آید، سخنان شیرین را از خدمتکارانش می‌پرسد و متوجه می‌شود باید جویی از سنگ، از چراگاه تا محل اقامت شیرین بنا کند. فرهاد آنچنان با عشق و علاقه تیشه بر کوه می‌زد که در مدت یک ماه، جویی در دل سنگ خارا ایجاد کرد. عشق شیرین فرهاد را آن چنان پر تب و تاب و بیقرار ساخت که داستان او بر سر زبان‌ها افتاد و خسرو نیز از این دلدادگی آگاه شد. فرهاد را به نزد خود خواند و در مناظره‌ای که با او داشت، فهمید توان برابری با عشق او را نسبت به شیرین ندارد. پس تصمیم گرفت به گونه‌ای دیگر او را از سر راه خود بردارد. خسرو فرهاد را به کندن کوه از سنگ می‌فرستد و قول می‌دهد اگر این کار را انجام دهد، شیرین و عشق او را فراموش کند. فرهاد نیز بی درنگ به پای آن کوه می‌رود. نخست بر آن نقش شیرین و شاه و شب‌دیز را حک می‌کند و سپس به کندن کوه با یاد دلارام خود می‌پردازد.

مدیریت تعارض در مناظره خسرو و فرهاد

در مناظره خسرو با فرهاد، تعارض میان دو عاشق (خسرو و فرهاد) از نوع تعارض کارکردی میان فردی است که در ادامه تلاش می‌شود با بررسی مهمترین علل این تعارض و شرح و بسط این دلایل، دیدگاه نظامی را، نسبت به این تعارضات که در قالب مناظره نمود می‌یابد، تبیین و روشن سازیم. نظامی علناً خردمند را کسی می‌داند که با تضادها سازگاری دارد و آن را مدیریت می‌کند:

«خردمند آن بود که در همه کار بسازد گاه با گل، گاه با خار» (نظامی، ۱۳۸۹، ۲۶۸)

انواع تعارض

الف) افقی: تعارضی است که در بین دو سطوح مختلف حوزه رخ می‌دهد. «این تعارض هنگامی بروز می‌کند که هر بخش یا تیم کاری فقط برای دستیابی به هدف‌های خود تلاش کند و هدف‌های بخش‌ها یا گروه‌های دیگر را نادیده بگیرد.» (رضائیان، ۱۳۹۲: ۳۶)

عواملی که می‌تواند موجب بروز تعارض افقی شود عبارتند از:

(۱) محیط: محیطشان یکسان است.

(۲) هدف: اهداف در تعارض افقی تقریباً نزدیک به هم است.

(۳) ساختار فکرشان هم نزدیک به هم است.

(۴) اندازه و بزرگی محیط: منظور هر قدر محیط بزرگتر باشد اندیشه هم بزرگتر است.

ب) عمودی: عبارت است از تضادی که بین بالا دستی و پایین دستی وجود دارد. «این تعارض می‌تواند به دلیل ارتباطات ناقص، تعارض در هدف یا عدم توافق بر سر کمیت و کیفیت اطلاعات و ارزش‌ها (تعارض شناختی) بروز کند.» (همان: ۳۶) که تعارض شکل گرفته در مناظره خسرو و فرهاد از این نوع، یعنی عمودی است.

عمده ویژگی‌های این تعارض عبارتند از:

(۱) اختلاف از نظر روحی و روانی: دو طرف تعارض در نهایت حرف هم را هم نمی‌فهمند شمیسا در کتاب خود در مورد فرامن می‌گوید: «نهاد با کودک متولد می‌شود اما فرامن بر اثر تربیت به وجود می‌آید و آموخته‌های اخلاقی و مذهبی اوست. فرامن امیال مکروه و ناپسند را به ناخودآگاه واپس زده است. فرامن معاییر اخلاقی و وجدان ماست. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۰) و فروید همان‌طور که روان یا ذهن هر انسان را به سه زمینه خودآگاه و نیمه آگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌کند، ساختار شخصیتی را نیز به سه قسمت تقسیم می‌کند: نهاد، من و فرامن. خسرو و فرهاد دارای حالات و روحیات روانی کاملاً متفاوت با هم هستند که این تفاوت آنها را به دو مسیر مجزا برای نیل به عشق و معشوق سوق می‌دهد. «خیال و رؤیا می‌تواند هنرمند را از حیطه خود آگاه خارج کرده و به دنیایی دیگرگون ببرد.» (ممتحن و کمالی با نیانی، ۱۳۹۰: ۱۹۷)

بگفت: آری، چو خواب آید، کجا خواب؟

بگفتا: هر شبش بینی چو مهتاب؟

در بیت فوق خسرو با پیش کشیدن مسأله خیال و خواب درصدد منصرف ساختن فرهاد از عشق شیرین است چرا که با دیدگاه درونی خویش (که در رؤیا و خیالاتش معشوق را می‌بیند) به این مسأله می‌نگرد اما فرهاد بیان می‌کند که معشوق او حتی فراتر از آن است که بتوان در خواب و رؤیا به آن نائل شد.

اما در جایی دیگر چاره وصل به جمال معشوق را فقط در خیال می‌داند:

بگفت: آن کس نداند جز خیالش

بگفتا: چونی از عشق جمالش؟

بیشتر «خودآگاهی» ما چگونگی نگرش ما نسبت به جهان توسط گرایشات «برون‌گرا» و «درون‌گرا» تعیین می‌گردد این گرایشات که طرق متضاد نگرش جهان را نمایان می‌سازد شناخته شده‌ترین جزء فرضیه یونگ است، به مفهوم دیگر، علم روان-شناسی جامعیت این گرایشات را به خوبی پذیرفته است، این گرایشات دو جهت‌گیری «خودآگاهی» یا دو سنخ شخصیت را که همگی با آن آشنا هستیم فرا می‌نماید.

«شخصی که از گرایش برون‌گرا برخوردار است به جهان بیرونی و واقعیت عینی توجه می‌کند، چنین شخصی مردم آمیز است و به نظر می‌رسد که خالصانه از مصاحبت با سایرین لذت می‌برد، بالعکس، انسان درون‌گرا به زندگی درونی ذهنی متوجه است و احتمالاً درون‌نگر، کناره گیر و خجالتی است. این دو گرایش دو جهت مخالف- برونی در برابر درونی- را نمایان می‌سازد و به نظر یونگ کلیه افراد را می‌توان در این دو دسته قرار داد.» (دوان، ۱۳۵۹: ۷۶)

با این تعریف خسرو دارای شخصیتی برون‌گراست چنانچه تمام نگاه و تفکرش معطوف به جهان بیرونی و واقعیت‌های عینی است و در مقابل، فرهاد دارای شخصیتی درون‌گراست.

بگفت: اندازم این سر زیر پایش
بگفت: این چشم دیگر دارمش پیش
بگفت: این از خدا خواهم به زاری
بگفت: از دوستان ناید چنین کار

بگفتا: گر خرامی در سرایش
بگفتا: گر کند چشم تو را ریش؟
بگفتا: گر بخواهد هر چه داری؟
بگفتا: دوستیش از طبع بگذار

(نظامی، ۱۳۸۹: ۲۳۴)

۲) اختلاف ارزش‌ها: ارزش‌های طبقه بندی شده در نظر خسرو با ارزش‌های تعریف شده در نظر فرهاد کاملاً متفاوت که این شاخصه به نوبه خود موجبات تعارض میان فردی را فراهم می‌سازد. البته اگر کمی دقیق و عمیق به این مسأله بنگریم این شاخصه نیز به نوعی ریشه در اختلاف حالات روحی و روانی دو عاشق دارد چرا که ارزش‌های مشخص شده برای هر فرد تابع ناخودآگاه فردی اوست. ارزش‌های شکل گرفته و دارای اهمیت در نظر خسرو بیشتر ظواهر و مادیات است حال آنکه ارزش‌های مد نظر فرهاد بسیار متعالی‌تر و نامحسوس‌تر است او روح خود را با روح معشوقش (شیرین) پیوند خورده می‌بیند.

بگفت: آسوده شو، کاین کار خام است
بگفتا: رو صبوری کن درین درد
بگفت: از عشق کارت سخت زار است
بگفتا: جان مده، بس دل که با اوست
بگفت: آسودگی بر من حرام است
بگفت: از جان صبوری چون توان کرد؟
بگفت: از عاشقی خوشتر چکار است؟
بگفتا: دشمنند این هر دو بی دوست
بگفت: از محنت هجران او بس

(نظامی، ۱۳۸۹: ۲۳۴ و ۲۳۵)

تضاد از نظر قدرت و مقام:

یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌هایی که موجب ایجاد تعارض می‌گردد و اختلاف طرفین از نظر قدرت و مقام است. براساس این روابط قدرت، انواع معینی از تعارض پدیدار می‌گردد.

شبکه قدرت نوع اول^۲ و شبکه قدرت نوع دوم

شبکه قدرت نوع دوم: «این شبکه قدرت بیانگر رابطه بین فرد قدرتمند (خسرو) و فرد ضعیف (فرهاد) است. این تعارض از آنجا ناشی می‌شود که افراد قدرتمند می‌کوشند دیگران را تحت کنترل خود درآورند و افراد ضعیف تلاش می‌کنند استقلال بیشتری کسب نمایند.

به هر حال راه‌های موفقیت‌آمیزتر مدیریت این تعارض‌ها استفاده از سبک رهبری خاص نظیر سبک حمایتی یا تغییر ساختار به سمت عدم تمرکز را می‌توان ذکر کرد.» (رضائیان، ۱۳۹۲: ۴۹) همان گونه که پیداست تعارض شکل گرفته از نظر اختلاف قدرت در مناظره خسرو و فرهاد از نوع دوم است یعنی تعارض میان شخص قدرتمند و شخص ضعیف.

خسرو با قطعیت تمام از قدرت خودآگاه است و با تکیه بر این تفکر در مناظره با فرهاد سخنانش نیز رنگ و بوی مکتت و مقام به خود می‌گیرد چنانچه می‌گوید:

«بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟
بگفت: انده خرنده و جان فروشند»

(نظامی، ۱۳۸۹: ۲۳۳)

و در جایی دیگر معشوق را دارایی فرض می‌کند که فقط شخص قدرتمند می‌تواند آن را صاحب گردد و از فرهاد می‌پرسد اگر کسی غیر از تو او را به چنگ بیاورد؟ و با لحاظ جمله (به چنگ آوردن) حتی عشق را نیز مقوله ای پایبند و وابسته قدرت و مکتت برمی‌شمارد:

بگفتا: گر کسبش آرد فرا چنگ؟
بگفتا: گر بخواهد هر چه داری؟
بگفتا: گر نیایی سوی او راه؟
بگفت: آهن خورد، و خود بود سنگ
بگفت: این از خدا خواهم به زاری
بگفت: از دور شاید دید در ماه (همان: ۲۳۴)

و فرهاد که خالی از هر گونه مال و مقام و قدرت است چارهٔ نیل به معشوق را فقط از دور دیدن او می‌داند.

تضاد در مفهوم عشق:

عشق به‌عنوان بن‌مایه‌ای عمیق بر سراسر داستان خسرو و شیرین سایه‌گسترانیده است و چنانچه خواهد آمد در مناظرهٔ فرهاد با خسرو نیز اصلی‌ترین عامل تعارض میان دو معشوق محسوب می‌گردد؛ خسرو و فرهاد و شخصیت کاملاً مجزا و دارای تفکرات و روحیات کاملاً متفاوتی‌اند که توصیف هنرمندانهٔ نظامی این اختلاف شخصیتی را بیشتر و زیباتر آشکار می‌سازد. «نظامی در پروردن شخصیت‌های داستان و نمایش افکار و رفتار هر یک از آنها بر طبق منش هر یک کاملاً کامیاب شده است.» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

منش عشقی خسرو با منش عشقی فرهاد در تناقض است. «عشق خسرو به شیرین عشق در زندگی زناشویی یعنی عشق مجازی مرد به زن و زن به مرد مطرح است در حالی که عشق فرهاد به شیرین عشقی است که در دنیای خاکی و زمینی سیر نمی‌کند بلکه عشقی است ورای دنیای محسوس. در خسرو و شیرین عشق فرهاد شبیه عشق مجنون (در لیلی و مجنون) و رابطهٔ فرهاد با شیرین شبیه رابطهٔ لیلی با مجنون است. هر دو عشق معنوی دارند.

مرگ مجنون هم به مرگ فرهاد شبیه است. فرهاد با شنیدن خبر مرگ محبوب از کوه فرو می‌گلتد و می‌میرد.» (غلامرضایی با تلخیص، ۱۳۷۰ از ص ۲۳۵ تا ص ۲۴۳)

عشقی که خسرو به شیرین دارد با عشق فرهاد در تناقض است و این ریشه در روحیات دو عاشق دارد، هر دو عاشق‌اند اما عشق خسرو کجا و عشق فرهاد کجا! «مدینهٔ فاضله‌ای که نظامی در خسرو و شیرین می‌جوید درست نقطهٔ مقابل دنیای زهد و ریاضت و عزلت و اندوه حزن‌الاسرار است. دنیایی که انسان در آن جز به عشق و کام نمی‌اندیشد. دنیایی که در آن خسرو به خاطر عشق، حشمت خسروانه‌اش را فراموش می‌کند.» (رضایی اردانی، ۱۳۸۷: ۹۹) اما فرهاد به خاطر عشقش چه می‌کند؟ او عاشقی است که به خاطر عشق شیرین تنها دارائی اش یعنی جانش را هم فدا می‌کند و این است عظیم‌ترین تفاوت عشق میان خسرو با فرهاد.

بگفتا: جان فروشی در ادب نیست
بگفت: از دل شدی عاشق بدین سان؟
بگفتا: عشق شیرین بر تو چون است؟
بگفتا: دل ز مهرش کی کنی پاک؟
بگفت: از عشق کارت سخت زار است
بگفت: از عشقبازان این عجب نیست
بگفت: از دل تو می‌گویی من از جان
بگفت: از جان شیرینم فزون است
بگفت: آنکه که باشم خفته در خاک
بگفت: از عاشقی خوشتر چه کار است؟

(نظامی، ۱۳۸۹: ۲۳۳ و ۲۳۴)

نتیجه‌گیری

مناظره خسرو و فرهاد، بخشی از منظومه بسیار زیبای خسرو و شیرین، در فراسوی محتوی جدال عشقی میان دو عاشق، دارای مفاهیم عمیق مدیریتی است؛ مفهومی که در این میان اگر نگوئیم بیش از مفهوم عشق ولی به اندازه آن خود را باز می‌نمایاند، بحث تضاد و تعارض است. طبق بررسی‌های انجام یافته، مناظره خسرو و فرهاد در بردارنده بارزترین شواهد و شاخصه‌های مدیریت تعارض است و از انطباق این شاخصه‌ها در مناظره مذکور می‌توان نتیجه گرفت:

(۱) تعارض در این مناظره از نوع کارکردی میان فردی است.

۲) فن ایجاد شده در این تعارض کارکردی از نوع فن مناظره می‌باشد.
۳) نوع تعارض از لحاظ سطح بروز تعارض، عمودی است و آن عبارت است از تضادی که بین بالادستی و پایین دستی رخ می‌دهد.
۴) عمده دلایل بروز تعارض میان خسرو و فرهاد، اختلاف از نظر روحی و روانی، اختلاف ارزش‌ها، تضاد از نظر قدرت و مقام و تضاد در مفهوم عشق می‌باشد.
با توجه به نتایج برگرفته از این پژوهش، می‌توان اظهار داشت، اگر مؤلفه‌های مدیریت تعارض با مناظره مذکور منطبق است و این نشانگر منعطف بودن محتوی آثار ادبی و همسو شدن آن با الگوهای میان رشته‌ای از جمله مدیریت تعارض می‌باشد.
پی نوشت‌ها:

۱) اصل آزادی یکی از اصول مکتب رمانتیسم است که این مکتب را مکتب آزادی هنر معرفی می‌کند به این معنی که هنرمند بخشی از زندگی را که خواهد می‌تواند آزادانه به تصویر بکشد. (طغیان و حاتمی، ۱۳۹۰: ۶۸)
۲) شبکه قدرت نوع اول: نخستین رابطه، بیانگر تساوی قدرت طرفین است. نمونه‌ای از این نوع رابطه را می‌توان در تعارض میان افراد دو پروژه متفاوت مشاهده کرد. تمایل رفتاری اعضای هر یک از پروژه‌ها در جهت بهینه سازی بخشی است و در برخورد با مسائل بر رهیافت برد و باختی تأکید دارند و هر طرف می‌کوشد قدرت خود را به قیمت از دست رفتن قدرت طرف مقابل به حداکثر برساند. (ر.ک. رضائیان، ۱۳۹۲: ۴۹)

منابع

۱. دوان، شولتز. (۱۳۵۹). «الگوی یونگ (انسان فردیت یافته)»، ترجمه گیتی خوشدل، ادبیات میان رشته‌ای: آرش، شماره بیست و یک، ص ۷۲ تا ص ۹۲.
۲. رابینز، استیفن پی. (۱۳۷۴). مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. رضایی اردان، فضل الله. (۱۳۸۷). «نقد تحلیلی-تطبیقی منظومه «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره یازدهم، ص ۸۷ تا ص ۱۱۲.
۴. رضائیان، علی. (۱۳۹۲). مدیریت تعارض و مذاکره، چاپ هفتم، تهران: سمت.
۵. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). پیرگنجه در جستجوی نا کجا آباد (درباره زندگی، آثار و اندیشه نظامی)، تهران: سخن.
۶. سروش، عبدالکریم. (۱۳۵۷). تضاد دیالکتیکی، تهران: حکمت.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). نقد ادبی، تهران: انتشارات فردوسی.
۸. طغیان، اسحاق و حافظ حاتمی (۱۳۹۰). «رابطه ادبیات و اخلاق با رویکردی به آثار نظامی گنجه ای»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره دهم، ص ۶۳ تا ص ۸۲.
۹. غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۰). داستانهای غنایی منظوم از آغاز شعر فارسی دری تا ابتدای قرن هفتم، تهران: فردابه.
۱۰. کرمی، مرتضی و احمد گودرزی. (۱۳۸۲). «مدیریت تعارض»، مجله مدیر ساز، شماره دوازدهم، ص ۷۶ تا ص ۸۶.
۱۱. کمرون، کیم اس و دیوید. ای. وتن. (۱۳۸۳). مدیریت تعارض، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانائی فرد، کرج: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
۱۲. کینیکی / رابرت، آنجلو / کریتنر. (۱۳۸۴). مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، ترجمه علی اکبر فرهنگی و حسین صفر زاده، تهران: پویش.
۱۳. گریفین، مورهد. (۴۱۳۷). رفتار سازمانی، ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمار زاده، تهران: مروارید.
۱۴. محمد زاده، عباس وآرمن مهره‌وزان. (۱۳۷۵). رفتار سازمانی نگرش اقتضایی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۵. ممتحن، مهدی و مهدی رضا کمالی بانیانی (۱۳۹۰). «تطبیق معشوق درونی طرفه بن عبد با آراء کارل گوستاو یونگ و فروید در قصیده رائیه در وصف معشوقه اش»، *فصلنامه لسا مبین (پژوهش ادب عربی)*، سال سوم، شماره ششم، ص ۱۹۳ تا ص ۲۱۷.
۱۶. میر کمالی، سید محمد. (۱۳۷۱). «مدیریت تعارض» *مجله دانش مدیریت*، شماره نوزدهم، ص ۴۸ تا ص ۵۹.
۱۷. نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). *خمسه نظامی گنجه ای*، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
۱۸. ----- (۱۳۸۹). *خسرو و شیرین*، تصحیح وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، قطره.
۱۹. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۶). *چشمه روشن*، تهران: انتشارات علمی.



SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران